

سه روهن شیویای

سروده: ناسید خمدی

محمدی، ناهید
 سه‌روهن شتیویائی / سه‌روده ناهید محمدی.
 تهران: دستان، ۱۳۹۲.
 ۷۹ ص.
 فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
 گردی.
 شعر گردی - قرن ۱۴
 ۱۳۹۲ م ۲۷ / ۸۴۳ گ / PIR۳۲۵۶
 ۹/۲۸۱۱
 ۳۲۶۷۵۲۲
 ابخانه ملی ایران



انتشارات دستان

میدان انقلاب، خ اردیبهشت، خ وحید نظری، پلاک ۱۴۶، تهران ۶۶۹۵۱۸۰

نام کتاب: سه‌روهن شتیویائی

سه‌روده: ناهید محمدی

چاپ اول: ۱۳۹۳ شماریان: ۱۰۰۰ نسخه ◇ چاپخانه کاوا

واژه‌نگار و صفحه‌آرا: معصومه نوروزی

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۷-۰۲۲-۰ ISBN : 978-600-297-022-0

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

تلفن پخش: ۶۶۴۶۱۰۲۱

فهرست

۵	مقدمه
۹	سه‌روه‌ن
۱۰	هه‌رزه داس
۱۱	مه‌رگ
۱۲	ثابان مانگ عاشق
۱۶	پریزنگ زان
۱۸	جام قوزلقورد
۲۰	شه و چراخ
۲۲	خه‌رمان خه‌م
۲۴	که‌سی تیه‌یدن
۲۵	داوّل و قلا
۲۶	به میرجلال‌الدین کزازی
۲۸	نازک خه‌یال
۳۰	ئه‌یوانی له‌ریخ
۳۱	ئم‌شه و توام
۳۲	زنه‌ی ره‌ش
۳۴	جارکیش
۳۷	قه‌زه‌ل واران
۳۸	سه‌ومار
۳۹	به قطب‌الدین صادقی

۴۰	و جاخ خودا
۴۴	ماچه یل چرکن
۴۶	خه و قه‌شه‌نگ
۴۸	گه‌له دره‌و
۴۹	مه‌له‌وهر کر
۵۰	گره‌ئی ناگر
۵۱	بولپه‌ئی تیه‌نی
۵۲	ساقی گان
۶۷	خه خود
۶۸	وه کان
۷۰	چه‌ن سئ م؟
۷۱	هامشوو
۷۲	ده‌سپچگ
۷۳	خه‌و شه‌که‌ت
۷۴	له‌ناوه‌ین کلگه‌یلد
۷۵	چه‌وه‌یلت چراخن
۷۶	قورپات قه‌و
۷۷	له‌زولال چه‌وه‌یلت
۷۸	م‌له‌یلمیم
۷۹	باوکه‌گیان!

کسی نمی‌شناسم که به اندازه این شاعره لطیف‌گوی و شیرین بیان از دیار خود من به این منطقه کلهر زبانان سروده‌های خود را در چندین دفتر شعر در اختیار علاقه‌مندان به شعر و ادب این منطقه گذاشته باشد. این دفتر نیز مانند دفتر قبلی اش زیبا و خواندنی است.

عنوانش «سهروه‌ن شیویای» ما از این لحاظ به فکر فرو برد که عده‌ای می‌گویند هر جمله و عبارت در یک زبان را می‌توان به زبان دیگری برگرداند و روزی از اندرو اسپنسر و دانش‌مشناس مشهور انگلیسی شنیدم که گفت: «اتفاقاً هیچ جمله و عبارت نمی‌توان به زبان دیگری ترجمه کرد.» ولی من محتاطانه می‌گویم، بعضاً برخی عبارات و جملات را نمی‌توان به زبان دیگری برگرداند و عبارت‌های دفتر یکی از آن عبارات‌هایی است که به هیچ زبان دیگری قابل ترجمه نیست.

تلاش کردم که در این مقدمه یک معادل فارسی برای (سهروه‌ن شیویای) بیاورم و اعتراف می‌کنم که نتوانستم چون کلمه اول آن (سهروه‌ن) که ترجمه ناقص و ناشیانه آن «سریند» فارسی است، قسمتی از لباس زنان گرد کلهر است که از اجزایی زیبا با ظرافتی خاص با هم ترکیب می‌شوند و وقتی که همراه با سایر لباس‌های سنتی زنان کلهر، تاج سر آنها می‌شود، سمبل متانت و سنگینی، یادگار اصالت و

چنان جذاب است که فقط باید آن را دید و چنان بار فرهنگی، تاریخی، سنتی و اجتماعی دارد که گذاشتن هر معادلی در هر زبان دیگری برای آن ظلم در حق کلمه «سه‌روهن» است. به اشتباه تصور می‌کردم که برگردان جزء دوم عنوان این کتاب یعنی (شیویای) آسان است و به معادل‌های نارسا و ناقصی مثل: آشفته، به هم ریخته، از فرم افتاده و زوار در رفته، فکر کردم ولی نه تنها از نظر مفهومی آنها را مناسب ندیدم بلکه آمدن این کلمه به دنبال واژه سه‌روهن چنان بار فرهنگی و تاریخی زیادی دارد که نمی‌توان آن را با معادل‌های مذکور به هر اادل دیگری در زبان فارسی را برای آن ناصواب و نامناسب دانست. به همین جهت دو واژه عنوان این دفتر به من دنیایی از احساسات، پیام‌ها، ایماها، اشارات، مفاهیم و معانی را یادآور می‌شود که چون یک هزار تن را هم نمی‌توان در این مقدمه کوتاه آورد به ناچار قلم را از این بحث به آسباز می‌دارم.

در این دفتر ۳۹ قطعه از آخرین روده‌های ناهید محمدی گرد آمده است که در جای جای آن، همانند عنوان کتاب حس و حال زنانگی آشکار و قابل لمس است و صداها و صداهای پنهانی شنیده می‌شود که صدای خاموش زنان کهنسالی است که «سه‌روهن شیویای» به آنها چنان حالت نوستالژی دست می‌دهد که در خاطره آثار و کارهایی را زنده می‌کند که با خاطرات تلخ و شیرینی گره خورده است. به این لباس خاص را به شیوه مناسب برای هر موقعیت می‌آراست. صدای خاموش زنان میانسالی است که به دلیل شرایط زمانی باید علی‌الرغم میل درونی به ندرت این لباس را می‌پوشند یا هرگز نمی‌پوشند. صدای خاموش زنان جوانی است که آهسته آهسته بر این باورند که این لباس نفس‌های آخرش را می‌کشد و برایشان آشفستگی و

به هم ریختگی سه‌روهن به معنای مرگش است. مرگ و حذف سه‌روهن در این خطه از کشور عزیزمان به راستی چه تبعات فرهنگی و تاریخی را به دنبال خواهد داشت؟ چه کسانی برایش دل تنگ خواهند شد؟ یاد و خاطره این شمایل فرهنگی و سنتی را کجا باید جست؟ وجودش به صورت آشفته و به هم ریخته چه پیامی و معنایی دارد؟ چرا آشفته و به هم ریخته شده است؟

ای بر من و بر سه‌روهن آشفته

وای بر من و بر ای بی سه‌روهن شعله‌ور، وای بر من و...

ترا خدای سه‌روهن شیوایی ناهید دست از سر این ذهن آشفته من بردار و بیش از این به پرستگری وادارش مکن.

غلامحسین کریمی‌دوستان

استاد زبان‌شناسی

تهران ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۲